

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۸۵

بر شمردن نعمتهایش بر بنی اسرائیل به آنها خطاب کرده می‌گوید: «خداوند شما را ملوک و پادشاهان قرار داد» در حالی که می‌دانیم افراد معدودی از آنها به این مقام رسیدند.

البته «شهود» معنی دیگری نیز دارد و آن «شهادت عملی» است، یعنی مقیاس سنجش و الگو بودن اعمال یک فرد نمونه و بارز برای اعمال سایرین، در این صورت تمام مسلمانان راستین چنین خواهند بود، چرا که آنها امت نمونه‌ای هستند با برترین آئین که می‌توانند مقیاس و الگویی برای سنجش شخصیت و فضیلت در میان همه امتها باشند.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که خداوند چند فضیلت و برتری به امت اسلام داده است، از جمله اینکه در امتهای پیشین، پیامبر آنها شاهد و گواه قومش بود ولی خداوند تمام امت مرا گواهان بر خلق قرار داده زیرا می‌فرماید: لیکون الرسول شهیدا علیکم و تكونوا شهدا علی الناس.

یعنی همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اسوه و الگوی امت خویش است شما هم اسوه‌ها و الگوها برای مردم جهانید.

این تفسیر در عین حال با تفسیر سابق منافات ندارد ممکن است همه امت شاهد و گواه باشند و امامان شاهدان و گواهان نمونه و ممتاز.

در پایان این آیه بار دیگر وظائف پنجگانه پیشین را در تعبیرات فشرده‌تری که در سه جمله خلاصه می‌شود به عنوان تاءکید چنین بازگو می‌کند: «اکنون که چنین است و شما دارای این امتیازات و افتخارات هستید، نماز را بر پا دارید، زکات را ادا کنید و به آئین حق و ذیل عنایت پروردگار تمسک جوئید» (فاقیموا)

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۸۶

الصلوة و اتوا الزکوة و اعتصموا بالله).
 که «مولی و سرپرست و یار و یاور شما او است» (هو مولاکم).

«چه مولی و سرپرست خوبی، و چه یار و یاور شایسته‌ای» (فنعلم المولی و نعم النصیر).

در حقیقت جمله «فنعلم المولی و نعم النصیر» دلیلی است بر «و اعتصموا بالله هو مولاکم» یعنی اینکه به شما فرمان داده شده تنها به ذیل عنایت پروردگار تمسک جوئید به خاطر آن است که او برترین و بهترین مولی و شایسته‌ترین یار و یاور است.

پروردگارا! به ما این توفیق و سعادت را مرحمت فرما که با اعتصام به ذات پاکت و پیوند با خلق و خالق مردمی نمونه باشیم و الگو و شاهد بر دیگران، و تفسیری جامع و نمونه بر این کتاب بزرگت تا پایان بنگاریم. خداوند! همانگونه که در کتاب آسمانیت قرآن و کتب پیشینیان ما را مسلمان خواندی توفیق مرحمت فرما تا سراپا تسلیم فرمان تو باشیم. بار الها! ما را بر دشمنانی که امروز در هر گوشه و کنار، قصد یورش بر قرآن و اسلام دارند پیروز گردان که تو بهترین مولی و یار و یآوری (فنعلم المولی و نعم النصیر).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۸۷

سوره مؤمنون

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۱۱۸ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۸۹

فضیلت سوره مؤمنون

در روایات اسلامی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) بما رسیده فضیلت بسیاری برای این سوره بیان شده است. در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم من قرء سورة المؤمنین بشرته الملائكة يوم القيامة بالروح و الريحان و ما تقر به عینه عند نزول ملك الموت: «هر کس سوره مؤمنان را تلاوت کند فرشتگان در روز قیامت او را به روح و ریحان بشارت می‌دهند و هنگامی که فرشته مرگ برای قبض روح او می‌آید چنان بشارتی به او می‌دهد که چشمش روشن می‌شود».

و از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: من قرء سورة المؤمنین ختم الله له بالسعادة اذا كان یدمن قرائتها فی کل جمعة، و کان منزله فی الفردوس الاعلی مع النبیین و المرسلین: «هر کس سوره مؤمنون را بخواند و در هر جمعه آن را ادامه دهد خداوند پایان زندگی او را با سعادت قرار می دهد و جایگاه او فردوس اعلی (بهشت برین) است، همراه پیامبران و رسولان».

تکرار این معنی را ضروری می دانیم که ذکر فضائل تلاوت سوره ها هرگز به معنی خواندن خالی از اندیشه و تصمیم و عمل نیست که این کتاب آسمانی کتاب تربیت و انسانسازی و برنامه های عملی است، و به راستی اگر کسی برنامه های عقیدتی و عملی خود را با محتوای این سوره و حتی چند آیه آغاز آن که بیان صفات مؤمنان است تطبیق دهد آنهمه افتخارات باید نصیب او شود. و لذا در بعضی از روایات از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده: هنگام نزول آغاز این سوره فرمود لقد انزل الی عشر آیات من اقامهن دخل الجنة: «ده آیه بر من نازل شده که هر کس آنها را بر پا دارد وارد بهشت خواهد شد»!

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۰

تعبیر به «اقام» (بر پا دارد) به جای «قرء» (بخواند) گویای همان حقیقتی است که در بالا اشاره کردیم که هدف اصلی پیاده کردن محتوای این آیات در متن زندگی است، نه مجرد خواندن.

محتوای سوره مؤمنون

این سوره چنانکه از نامش پیدا است بخش مهمی از آن سخن از اوصاف برگزیده مؤمنان است. سپس بحثهایی در زمینه اعتقاد و عمل بیان می کند که تکمیل کننده آن صفات می باشد.

رویه همرفته مجموع مطالب این سوره را می توان به چند بخش تقسیم کرد: بخش اول - که از آیه قد افلح المؤمنون آغاز می شود تا چندین آیه بعد بیانگر صفاتی است که مایه فلاح و رستگاری مؤمنان است و خواهیم دید این اوصاف آنقدر حساب شده و جامع است که جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت پوشش خود قرار می دهد.

و از آنجا که خمیر مایه همه آنها ایمان و توحید است در بخش دوم به

نشانه‌های مختلف خداشناسی، و آیات افاقی و انفسی پروردگار در پهنه عالم هستی، اشاره کرده، و نمونه‌هایی از نظام شگرف عالم آفرینش را در آسمان و زمین و آفرینش انسان و حیوانات و گیاهان بر می‌شمارد. و برای تکمیل جنبه‌های عملی در بخش سوم به شرح سرگذشت عبرت انگیز جمعی از پیامبران بزرگ همچون نوح، هود، موسی، عیسی (علیهم‌السلام) پرداخته فرازهایی از زندگی آنها را بیان می‌کند. در بخش چهارم روی سخن را به مستکبران کرده، و با دلائل منطقی و گاه باتعبیرات تند و کوبنده به آنها هشدار می‌دهد، تا دل‌های آماده به خود آید و راه بازگشت به سوی خدا را پیدا کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۱

در بخش پنجم بحث‌های فشرده‌ای درباره معاد بیان کرده است. و در بخش ششم از حاکمیت خداوند بر عالم هستی و نفوذ فرمانش در همه جهان سخن می‌گوید. سرانجام در بخش هفتم باز هم سخن از قیامت، حساب، جزا و پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران به میان می‌آورد، و با بیان هدف آفرینش انسان سوره را پایان می‌دهد. و به این ترتیب محتوای این سوره مجموعه‌ای است از درس‌های اعتقادی و عملی، و مسائل بیدار کننده و بیان خط سیر مؤمنان از آغاز تا پایان. این سوره همانگونه که در آغاز هم گفته‌ایم در مکه نازل شده، ولی بعضی از مفسران نوشته‌اند که بعضی از آیات این سوره در مدینه نازل شده است، وجود آیه زکات در آن برای بعضی این فکر را به وجود آورده که تمام این سوره نمی‌تواند در مکه نازل شده باشد، چرا که می‌دانیم زکات نخستین بار در مدینه تشریع شد و به دنبال نزول آیه خذ من اموالهم صدقه... (توبه ۱۰۳) پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمان داد ماء‌موران جمع زکات به اطراف بروند و از مردم زکات بگیرند. ولی باید توجه داشت که زکات مفهوم وسیعی دارد که واجب و مستحب را شامل می‌شود، و معنی آن منحصر به زکات واجب نیست، لذا در روایات می‌خوانیم که نماز و زکات همیشه با هم بوده است. اما از این گذشته به عقیده بعضی از دانشمندان زکات در مکه نیز واجب بوده،

ولی به صورت اجمالی و سر بسته، یعنی هر کس موظف بوده مقداری از اموال خود را به نیازمندان بدهد.

ولی در مدینه که حکومت اسلامی تشکیل شد زکات تحت برنامه دقیقی قرار گرفت و برای آن نصاب بندی شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ماموران جمع زکات را به هر سو فرستاد تا از مردم زکات بگیرند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۲

آیه ۱ - ۱۱

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۳

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۴

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۵

أَلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ ۖ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ ۖ فَانْهَمُ غَيْرَ مُلْمَعِينَ ۶

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَاوْلَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۷

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۸

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۹

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۱۰

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفَرْدُوسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۳

ترجمه :

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - مؤمنان رستگار شدند.

۲ - آنها که در نمازشان خشوع دارند.

۳ - و آنها که از لغو و بیهودگی رویگردانند.

۴ - و آنها که زکات را انجام می دهند.

۵ - و آنها که دامن خود را از آلودگی به بی عفتی حفظ می کنند.

- ۶- تنه‌ها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شوند.
- ۷- و هر کس غیر این طریق را طلب کند تجاوزگر است.
- ۸- و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات می‌کنند.
- ۹- و آنها که از نمازها مواظبت می‌نمایند.
- ۱۰- (آری) آنها وارثانند.
- ۱۱- که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

تفسیر:

صفات برجسته مؤمنان

همانگونه که قبلاً گفتیم انتخاب نام مؤمنون برای این سوره به خاطر آیات آغازین سوره است که ویژگیهای مؤمنان را در عباراتی کوتاه، زنده و پر محتوا تشریح می‌کند، و جالب اینکه نخست به سرنوشت لذتبخش و پر افتخار مؤمنان - پیش از بیان صفات آنها - اشاره می‌نماید تا شعله‌های شوق و عشق را در دلها برای رسیدن به این افتخار بزرگ زنده کند.

می‌فرماید: «مؤمنان رستگار شدند»، و به هدف نهائی خود در تمام ابعاد رسیدند (قد افلح المؤمنون).

«افلح» از ماده «فلح و فلاح» در اصل به معنی شکافتن و بریدن است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است.

در حقیقت افراد پیروزمند و رستگار و خوشبخت موانع را از سر راه بر می‌دارند

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۴

و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافند و پیش می‌روند.

البته فلاح و رستگاری معنی وسیعی دارد که هم پیروزیهای مادی را شامل می‌شود، و هم معنوی را، و در مورد مؤمنان هر دو بعد منظور است.

پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی نیاز زندگی کند، و این امور جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست، و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمتهای جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک، و در کمال عزت و سربلندی به سر برد.

«راغب» در «مفردات» ضمن تشریح این معنی می‌گوید: «فلاح

دنیوی درسه چیز خلاصه می‌شود: بقاء و غنا و عزت، و فلاح اخروی در چهار چیز: بقاء بلافناء، و غنی بلا فقر، و عز بلا ذل، و علم بلا جهل: «بقای بدون فنا، بی نیازی بدون فقر، عزت بدون ذلت، و علم خالی از جهل».

سپس به بیان این صفات پرداخته و قبل از هر چیز انگشت روی نماز می‌گذارد و می‌گوید: «آنها کسانی هستند که در نمازشان خاشعند» (الذینهم فی صلاتهم خاشعون).

«خاشعون» از ماده «خشوع» به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود، و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد.

در اینجا قرآن «اقامه صلوٰة» (خواندن نماز) را نشانه مؤمنان نمی‌شمارد بلکه خشوع در نماز را از ویژگیهای آنان می‌شمرد، اشاره به اینکه نماز آنها الفاظ و حرکاتی بی‌روح و فاقد معنی نیست، بلکه به هنگام نماز آنچنان حالت توجه به پروردگار در آنها پیدا می‌شود که از غیر او جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند، چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگار می‌شوند که

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۵

بر تمام ذرات وجودشان اثر می‌گذارد، خود را ذره‌ای می‌بینند در برابر وجودی بی‌پایان، و قطره‌ای در برابر اقیانوسی بیکران.

لحظات این نماز هر کدام برای او درسی است از خودسازی و تربیت انسانی و وسیله‌ای است برای تهذیب روح و جان.

در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کند فرمود: اما نه! او خشع قلبه لخشعت جوارحه! «اگر او در قلبش خشوع بود اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد».

اشاره به اینکه خشوع یک حالت درونی است که در برون اثر می‌گذارد.

پیشوایان بزرگ اسلام آنچنان خشوعی در حالت نماز داشتند که به کلی از ماسوی الله بیگانه می‌شدند، تا آنجا که در حدیثی می‌خوانیم: پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) گاه به هنگام نماز به آسمان نظر می‌کرد اما هنگامی که آیه فوق نازل شد دیگر سر بر نمی‌داشت و دائماً به زمین نگاه می‌کرد».

دومین صفتی را که بعد از صفت خشوع برای مؤمنان بیان می‌کند این است که: «آنها از هر گونه لغو و بیهودگی رویگردانند» (و الذینهم عن اللغو معرضون).

در واقع تمام حرکات و خطوط زندگی آنان هدفی را دنبال می‌کند، هدفی مفید و سازنده چرا که لغو به معنی کارهای بی‌هدف و بدون نتیجه مفید است. در حقیقت لغو همانگونه که بعضی از مفسران بزرگ گفته‌اند هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد، و اگر می‌بینیم بعضی از مفسران آن را به باطل تفسیر کرده‌اند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۶

و بعضی به معنی همه معاصی.
و بعضی به معنی دروغ.
و بعضی به معنی دشنام یا مقابله دشنام به دشنام.
و بعضی به معنی غنا و لهو و لعب.
و بالاخره بعضی به معنی شرک، تفسیر کرده‌اند همه اینها مصداقهای آن مفهوم جامع و کلی است.
البسته لغو تنها شامل سخنان و افعال بیهوده نمی‌شود بلکه افکار بیهوده و بی‌پایه‌ای که انسان را از یاد خدا غافل و از تفکر در آنچه مفید و سازنده است به خود مشغول می‌دارد همه در مفهوم لغو جمع است.
در واقع مؤمنان آنچنان ساخته شده‌اند که نه تنها به اندیشه‌های باطل و سخنان بی‌اساس و کارهای بیهوده دست نمی‌زنند، بلکه به تعبیر قرآن از آن «معرض» و رویگردانند.
در آیه بعد به سومین صفت مؤمنان راستین که جنبه اجتماعی و مالی دارد اشاره کرده می‌گوید: «آنها کسانی هستند که زکات را انجام می‌دهند» (و الذین هم للزکوة فاعلون).
و از آنجا که این سوره - همانگونه که قبلاً نیز گفتیم - از سوره‌هایی است که درمکه نازل شده و در آن هنگام حکم زکات معمولی نازل نگردیده بود، مفسران در تفسیر این آیه گفتگوهای مختلفی دارند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۷

آنچه صحیحتر به نظر می‌رسد این است که زکات منحصر به معنی زکات واجب نیست، بلکه زکاتهای مستحب در شرع اسلام فراوان است، آنچه در مدینه نازل شد زکات واجب بود ولی زکات مستحب قبلاً نیز بوده است. بعضی از مفسران نیز این احتمال را داده‌اند که زکات به صورت یک حکم وجوبی اما بدون حد و حدود در مکه بوده است، یعنی مسلمانان موظف بودند مقداری از اموال خود را به نیازمندان بپردازند، ولی بعد از تشکیل حکومت اسلامی و تأسیس بیت المال زکات تحت برنامه شخصی قرار گرفت و نصابها و مقادیرهای معینی برای آن قرار داده شد و مأمور این جمع زکات از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هر سو اعزام شدند. اما اینکه بعضی از مفسران مانند فخر رازی و آلوسی در روح المعانی و راغب در مفردات نقل کرده که زکات در اینجا به معنی هر گونه کار نیک و یا تزکیه و پاکسازی روح و جان است بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا در قرآن مجید هر جانماز و زکات همراه با هم ذکر می‌شود زکات به همان معنی انفاق مالی است، و استفاده معنی دیگر نیاز به قرینه روشنی دارد که در اینجا نیست. چهارمین ویژگی مؤمنان را مسأله پاکدامنی و عفت به طور کامل، و پرهیز از هر گونه آلودگی جنسی قرار داده، چنین می‌گوید: «آنها کسانی هستند که فروج خویش را از بی‌عفتی حفظ می‌کنند» (و الذینهم لفروجهم حافظون). «مگر نسبت به همسران و کنیزانشان که در بهره‌گیری از آنها هیچگونه ملامت و سرزنش ندارند» (الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهن غیر ملومین).

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۸

از آنجا که غریزه جنسی سرکشتترین غرائز انسان است و خویشتن داری در برابر آن نیاز به تقوی و پرهیزگاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد، در آیه بعد بار دیگر روی همین مسأله تأکید کرده و می‌گوید: «هر کس غیر این طریق را (جهت بهره‌گیری جنسی) طلب کند تجاوزگر است» (فمن ابتهغی وراء ذلک فاولئک هم العادون). تعبیر به محافظت «فروج» گویا اشاره به این است که اگر مراقبت مستمر و پیگیر در این زمینه نباشد، بیم آلودگی فراوان است.

و تعبیر به «همسران» شامل همسران دائم و موقت هر دو می‌شود، هر چند بعضی از مفسران اهل سنت در اینجا گرفتار اشتباهی شده‌اند که در نکات به آن اشاره خواهد شد.

تعبیر به «غیر ملومین» (آنها مورد ملامت قرار نمی‌گیرند) ممکن است اشاره به طرز فکر غلطی باشد که برای مسیحیت انحرافی پیدا شده که آنها هر گونه آمیزش جنسی را خلاف شان انسان می‌پندارند و ترک مطلق آن را فضیلت می‌دانند تا آنجا که کشیشان کاتولیک و همچنین زنان و مردان تارک دنیا، در تمام عمر، مجرد زندگی می‌کنند، و هر گونه ازدواج را مخالف این مقام روحانی تصور می‌کنند! (هر چند این مسأله بیشتر جنبه ظاهری دارد اما در خفا جمعی از آنها طرقی برای اشباع غریزه جنسی خود انتخاب می‌کنند و کتابهای نویسندگان خودشان پر است از داستانهای که در این زمینه نوشته‌اند.

به هر حال امکان ندارد خداوند غریزه‌ای را به عنوان بخشی از نظام احسن در انسان بیافریند و بعد آن را به کلی تحریم یا مخالف مقام انسانی بداند. این نکته چندان نیاز به یاد آوری ندارد که حلال بودن همسران مخالف با بعضی از موارد استثنائی نیست، مانند حالت عادت ماهانه و امثال آن.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۱۹۹

همچنین حلال بودن کنیزان (زنان برده) مشروط بر شرائط متعددی است که در کتب فقهی آمده و چنان نیست که هر کنیزی به صاحب آن حلال باشد، و در واقع در بسیاری از جهات و شرائط، همان شرائط همسران را دارد. در هشتمین آیه مورد بحث به پنجمین و ششمین صفت برجسته مؤمنان اشاره کرده، می‌گوید: «آنها کسانی هستند که امانتها و عهد خود را مراعات می‌کنند» (و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون).

